



کاتب موسوی بجنوردی، سیدمصطفی محقق‌داماد و علی بلوکباشی / رونمایی جلد ۲۵ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۲۹ آذر ۱۴۰۲ / عکس: سهام‌الدین بورقانی

توصیفی از ساختمان پیشین مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

سنتی و قدیمی و دل‌پذیر



علی بلوکباشی

مدیر بخش مردم‌شناسی و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

زمانی که فعالیت‌ها را شروع کردیم، مرکز بخش مستقلی برای مردم‌شناسی نداشت. در بخش هنر به دوستان عزیز و بزرگوایم شادروان آقای یحیی ذکاء و آقای محمدحسن سمسار، از همکاران پیشینم در اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه وزارت فرهنگ و هنر پیوستم و مشغول به تالیف مقالات در زمینه حوزه تخصصی خود شدم. بنابر این در سال‌های نخست حضور در مرکز بخشی به نام مردم‌شناسی وجود نداشت اما بعد تأسیس شد و تشکیل بخش مردم‌شناسی را باید رویدادی تاریخی در ورود دانش انسان‌شناسی به عرصه دانشنامه‌نویسی در ایران دانست.

فرهنگی - علمی مشابه آن در تهران یا ایران وجود داشت. آقای بجنوردی در سال‌های پرتبوتاب آغاز انقلاب با دوراندیشی و آینده‌نگری به قصد بنیان نهادن دانشنامه‌ای جامع و فراگیر در فرهنگ و تمدن اسلامی، این جمع دانشمند صاحب‌نظر در حوزه‌های مختلف زبان و فرهنگ و تاریخ و جغرافیا و فلسفه و ادیان و ادبیات و هنر ایران و جهان اسلام را در آنجا گرد هم آورده بودند. حضور این شخصیت‌های بزرگ علمی در آن زمان به هویت علمی این نهاد میان مؤسسات علمی - فرهنگی دیگر سنگینی و اعتبار خاص و چشم‌گیری می‌بخشید.

سفره‌خانه کرده بودند. در روزهای هفته شماری از افرادی که در مرکز حضور داشتند، ناهار را با هم در آنجا می‌خوردیم. غذا را به نهادی بیرون از مرکز سفارش داده بودند که هر روز غذا را از آشپزخانه آن می‌آوردند. وقت ناهار فرصتی بود برای دیدار بیشتر همکاران. پس از خوردن ناهار دوستان نزدیک دقایقی را با هم در فضای باز و باغچه بزرگ آن به قدم زدن و گفت‌وگو می‌گذراندند. از منظر فضای علمی، مرکز وضعیت بسیار بالایی داشت، و شماری از نخبگان اصحاب دانش در حوزه‌های گوناگون در آنجا گرد آمده بودند که در آن زمان کم‌همتا بود و به نظر من کمتر نهاد

بنای مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی در سنجش با ساختمان امروزی کوچک و جمع‌وجور بود و معماری آن بافتاری سنتی و قدیمی و دل‌پذیر داشت. بخش‌های علمی آن مثل بخش‌های کنونی غرفه‌ای و کلبه‌وار و از یکدیگر جدا نبود. اعضای علمی بخش‌ها در جوار یا نزدیک هم در اتاق‌های بزرگ دو طبقه از ساختمان مشغول کار بودند و فرصت دیدار و هم‌نشینی و هم‌صحبتی بیشتری را با یکدیگر داشتند. ساختمان فضای باز و بزرگ و باصفایی هم با باغچه‌هایی پر از درخت و گل و گیاه داشت. این ساختمان در زیرمبانش فضایی کوچک و نقلی داشت که آن را برای اعضای مرکز

نگاهی به جایگاه و پایگاه «شیوه‌نامه» مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

نهاد پیشرو



مهتاب صالح

مدیر بخش ویرایش و چاپ و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

شیوه‌نامه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی مختص و مخصوص این جاست، ولی چندین دانشنامه دیگر مطابق شیوه‌نامه ما عمل می‌کنند. استاد محمد خاکی در این زمینه پیشرو بود. مثلاً سی‌دی آمد و بعد دانش برخط آمد، و همه این‌ها نیازهای جدیدی را ایجاد کرد. مبنی بر این‌که ما باید چگونه به آن‌ها ارجاع بدهیم. ایشان در طول سالیان برای شیوه‌استناد و ارجاع‌دهی بسیار مطالعه کرد و شیوه‌نامه‌ای جامع نوشت. هم‌اکنون از دانشنامه‌های دیگر نیز با ما تماس می‌گیرند و می‌پرسند آیا شیوه‌نامه‌تان چاپ جدید نشده است؟ همه از همان استفاده می‌کنند. ضمن این‌که من دیده‌ام هنگامی که دائرة المعارف‌های دیگر می‌خواهند تدوین شوند به مرکز ما آمده و مشورت می‌گیرند. ما در زمینه شیوه‌های استناد به اسناد و مآخذی که در دائرة المعارف‌نگاری استفاده می‌کنیم، پیشرو هستیم. دکتر مهدی رفیع با تسلطش به چندین زبان و زبان‌های کهن واقعاً فرهنگ لغتی است و وجودش مغتنم بوده و هست. هنوز هم مواردی که مرتبط به واژگان دور از دسترس و موارد بسیار مهم است را نکه می‌داریم وقتی به مرکز می‌آید، از ایشان سؤال می‌کنیم و واقعاً راه‌گشاست. استاد محمد خاکی خود یک دائرة المعارف است و استاد علی فرزانه به معنای واقعی معلم است. همه همکارانی که به بخش ما افزوده شدند، دائماً در رفت‌وآمد به اتاق استاد فرزانه بودند و از راهنمایی‌های ایشان استفاده می‌کردند.

راجع به شیرینی‌های فعالیت در مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

ردیه‌ای بر سزگین و بروکلیمان



مریم صادقی

مدیر بخش‌های گزینش عناوین و بررسی منابع و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

کار در مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی شیرینی‌های خاص خود را دارد. به خاطر دارم یکی از مقالاتی که برای مرکز نوشتم، «تزیاک» بود. یاد می‌آید که برای این مقاله خیلی وقت گذاشته بودم. روزی که آن را تحویل دادم، به‌همراه همسر برای ناهار به یک رستوران رفتیم و من بی‌توجه به این‌که اطرافیانم طبعاً از نوع کار من اطلاعی ندارند، بی‌اختیار به او گفتم: راستی! من امروز تریاک را تحویل دادم! و احساس کردم میزهای کنار، مرا چپ‌چپ نگاه می‌کنند. مدخل «ابوبکر خوارزمی» که از نخستین مقالاتم پس از ورود به مرکز بود نیز در خاطرمان مانده است؛ نسخه خطی دیوان ابوبکر خوارزمی در یکی از کتابخانه‌های اروپایی معرفی شده بود. درخواست کردم و نسخه میکروفیلم آن را از اروپا فرستادند اما وقتی بررسی کردم، متوجه شدم این دیوان اصلاً متعلق به ابوبکر خوارزمی نیست بلکه مربوط به فرد دیگری است که تشابه اسمی داشته است و من در مقاله‌ام اشاره کردم این کتابی را که فواد سزگین، شرق‌شناس ترک و کارل بروکلیمان، خاورشناس آلمانی به‌عنوان دیوان ابوبکر خوارزمی نسبت داده‌اند صحیح نیست. این خیلی برایم جالب بود که به‌عنوان جوانکی که تازه قلم به دست گرفته می‌توانستم سزگین و بروکلیمان را نقد کنم. از این اتفاقات زیاد برای ما رخ می‌داد.